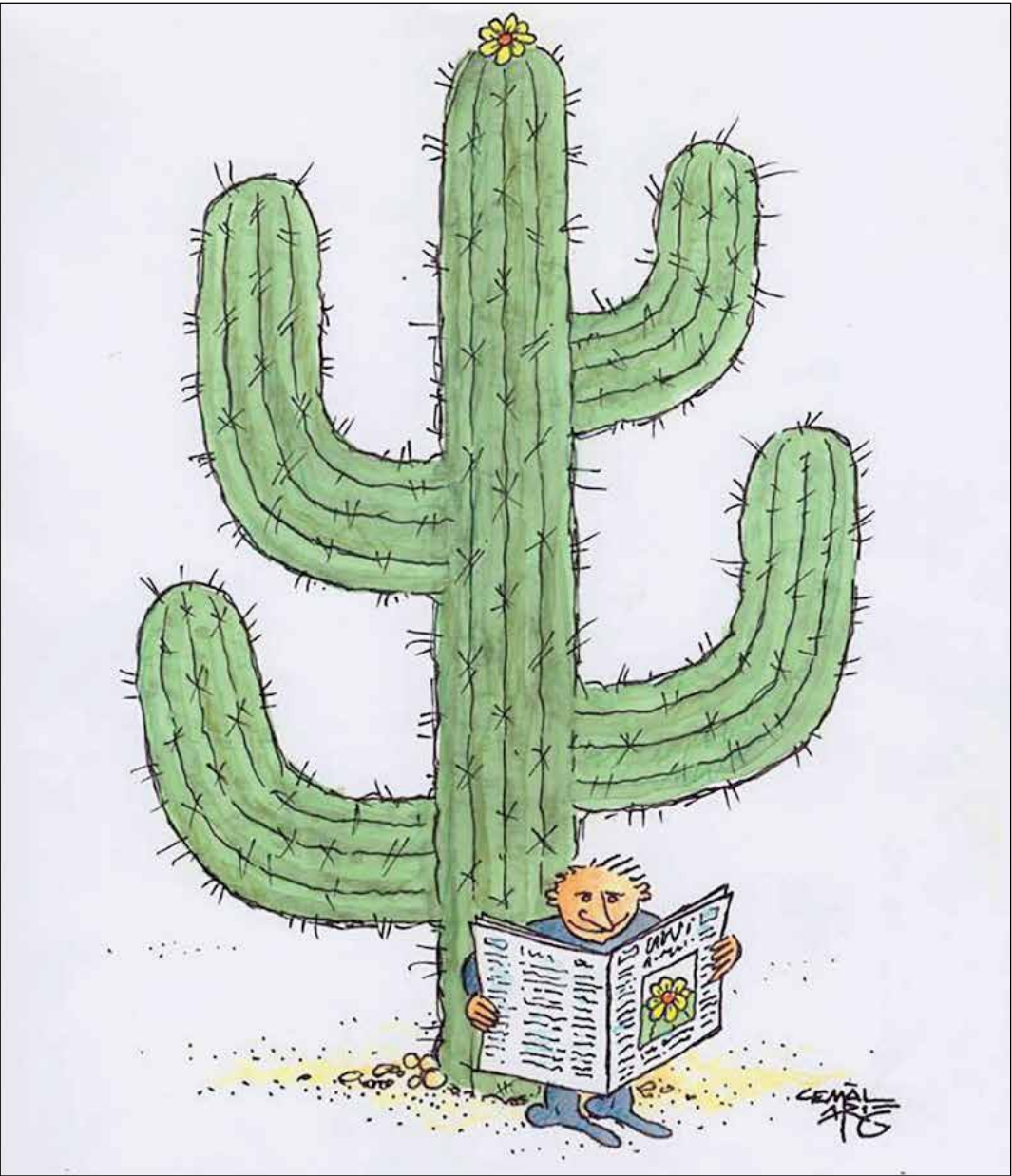


طنز به عنوان نوعی بیان ادبی چه کار کردهایی دارد؟

طنز سیاسی و سیاست طنز

محمدحسین روانبخش



۱- طنز سیاسی به عنوان یک گونه ادبی چه خاستگاهی دارد؟ این سؤال را می‌توان مفصل‌تر هم مطرح کرد: طنزسیاسی در چه فضایی و توسط چه کسانی پدید می‌آید، شکوفا می‌شود، رشد می‌کند و به تعالی می‌رسد ؟

یاسنجوگی به این سؤال مجلسی مفصل‌تر می‌طلبد اما آنچه اینک به جمال و تسامح می‌توان و پذیرفت این است که چنین طنزی بیش از آنکه محصول و مخصوص فضای باز باشد، مختص فضای بسته سیاسی است که از صاف و شفاف و مستقیم سخن گفتن صلاح نیست!

این ادعا را دو جنبه می‌توان بررسی کرد: الف- از دیدگاه نظری ب- از دیدگاه تاریخی الف- برای بررسی بهتر این ادعا باید اول

شخص شود طنز چیست؟ (و به طور اخص طنز سیاسی چیست). طنز پردازان بسیاری همواره تلاش کرده‌اند تا اینن موضوع را جا بیندازند که طنز با شوخی و مسخره کردن فرق دارد.

اما دریغ که هنوز چنین نشده است! دردناک تر این است که وقتی به طنز سیاسی می‌رسیم طنز نه تنها با تمسخر و هجو، بلکه با فحش هم یکسان انگاشته می‌شود و ناسزا نویسان و هتاکان کم استعداد احساس طنز نویسی می‌کنند اما طنز سیاسی چیز دیگری است. طنز سیاسی چون طنز است اول اینکه زبانی ادیبانه دارد چون طنز گونه‌ای ادبی است. دوم اینکه طرفاهتی خاص و آرایه‌های متنوع و خلاقانه دارد باز هم چون گونه‌ای ادبی است.

عاشقانه دختر دیوانه» توسط طلا معتضدی براساس رمان «ریش آبی» نوشته «امیلی نوتوم» و ترجمه «پیدا سامعی» نوشته شده است.

تالار چهارسو نیز میزبان نمایش «حلاقات بانوی سالخوره» نوشته فردریش دورنمات، ترجمه حمید سمندریان و کارگردانی میترا علوی‌طلب است که ساعت ۰۱۹، با مدت زمان ۱۲۰ دقیقه و قیمت بلیت ۱۲۰ هزار تومان از چهارشنبه ۱۹ مهرماه به روی صحنه رفته است.
نمایش «حلاقات بانوی سال‌خورده» درباره کارلار، ثروتمندترین زن جهان است که پس از چندین سال به شهر زادگاهش باز می‌گردد. شهری که او در نوجوانی با ستم و بی‌مهری و داغ ننگی بر پیشانی از آن رانده شده است. اکنون او بازگشته است تا با خریدن شهر و آدم‌هایش از معشوق سابقش انتقام بگیرد…

تالار قشقایی نیز از روز جمعه ۲۱ مهرماه میزبان نمایش «تله و زیون» نوشته عبدالحی شماسی و کارگردانی الهه پورجمشید شد. این نمایش ساعت ۱۸ با مدت زمان ۷۰ دقیقه و قیمت بلیت ۱۲۰ هزارتومان به صحنه می‌رود

در باره زن و شوهر فقیری است که بچه خود را به خاطر خرید یک تلویزیون می‌فروشند و پس از آن دچار چالش‌هایی می‌شوند. در نمایش «تله و زیون»، نادیا فرجی، محسن زرآبادی، محمود موسوی، هدیه طاهری و علی



پوران درخشنده با بیان نکاتی درباره جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان تاکید می‌کند: بچه‌های امروز دوست دارند فیلم‌هایی را ببینند که با تماشای آن‌ها با تمام وجود قیقه‌ها بزنند و این خواسته، با سوزه‌های سفرشی با آنچه فقط ما دوست داریم برآورده نمی‌شود.

این کارگردان سینما که داوری فیلم‌های سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان را برعهده داشت، در گفت‌وگویی با ایسنا درباره فیلم‌هایی که در این رویداد دیده و نیز ارزیابی خود از آن بیان کرد. البته

این امکان را می‌دهد که آنچه ناگفتنی است گفته شود؛ به عبارت دیگر طنز زبان سرخ را به زبانی صورتی تغییر می‌دهد تا سر سبز کمی تا قسمتی در امان باشد.

ب- طنز سیاسی سابقه ای طولانی دارد. در واقع قبل از آنکه سیاست به معنای مصطلح امروزه شکل گرفته باشد، طنز سیاسی پدید آمده بود.

با خوانش تاریخی - اجتماعی اشعار حافظ (به جای خوانش عرفانی - عشقی که قبلا تنها خوانش رایج بود) می‌توان رگه‌های عمیق، شریف و خالص طنز سیاسی را در قرن هشتم یافت. پیش از این اگر چه هر کس تاملی، هرچند اندک در شعر حافظ داشت لحن طنز آمیز او رایه نیکدی درمی‌یافت اما طنز سیاسی در کلام او مستتر مانده بود. دوران حاکمیت امیر مبارز الدین، دوران فشار و سرکوب بر مینای تعصب کور و ریاکارانه بوده و شعرهای مبتنی بر طنز سیاسی حافظ یادگار همان دوران است:

به آب دیده بشویم خرقه‌ها از می که موسم ورغ و روزگار پرهیز است در آستین مرقع پیاله پنهنان کن

که همچو چشم صراحی، زمانه خونریز است عبید راکنسی هم دقیقا در همان دوران

منظومه طنز سیاسی «موش و گربه» را سروده است که در این قصیده معروف ۹۰ بیتی، مقصود از گربه، امیر مبارز الدین است که ریاکار، ظاهرا عابد و خونریز بود و مقصود از شاه موشان، شاه شیخ ابواسحاق است که با یارانش دستگیر شدند و مبارز الدین حتی بر پسر ده - دوازده ساله او رحم نکرد. واقعا امیر مبارز الدین نمونه بزرگ حاکمی‌است که باعث اعتلای طنز سیاسی شده است!

نمونه دیگر طنز متعالی سیاسی اشعار اشرف الدین گیلانی معروف به نسیم شمال است که بازگو کننده فضای سیاسی استبدادی قبل و بعد از مشروطه (دوران رضا شاهی) بود:

ز بخت خویش نالام، نمی‌دانم چه بنویسم از این اوضاع حیرانم، نمیدانم چه بنویسم قلم در دست بگیرتم، نویسم از وطن

شرعی مثال بید لرزانم، نمی‌دانم چه بنویسم شده ایران زمین برزخ، میان جنت و دوزخ قرین نور و نیرانم، نمی‌دانم چه بنویسم…

۲- دوباره برگردیم به همان سؤال نخست تا پاسخ را کمی تکمیل تر کنیم: طنز سیاسی به عنوان یک گونه ادبی چه خاستگاهی دارد؟ واقعیت این است که در طول تاریخ این مرز و بوم، دوران استبداد کم نبوده است. مستبد تر از امیر مبارز الدین هم بسیار بوده اند اما چرا طنز سیاسی در چنان دورانی اول قدر شکوفا می‌شود؟

استاد دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (که هر کجا هست خدایا به سلامت دانش) تعریفی دقیق از طنز دارد:«صویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین». وی در توضیح این تعریف می‌گوید: «می‌دانید کسه در منطق، اجتماع نقیضین یا اجتماع ضدین محال است اما هنر، منطق خویش را دارد و در منطق هنر، یعنی از رهگذر خلاقیت و تبسُّوع هنرمند، می‌توان پذیرفت که یک چیز هم ساکن باشد و هم در همان لحظه در حال حرکت:

ز خود هر چند بگیریم، همان، در بند خود باشم

رم آهوی تصویرم، شتاب ساکنی دارم در مرکز تمام طنزهای واقعی ادبیات جهان، از داستان‌های چخوف گرفته تا حکایات عبید و کلمات قصاری که از بزرگان ادب و هنر نقل می‌کنند و از مقوله طنز شمرده می‌شود، این تصویر هنری اجتماع نقیضین قابل رویت است.»

استاد ادامه می‌دهد که طنز تنها در گفتار و هنرهای زبانی جلوه نمی‌کند. گاه در رفتار انسان، طنسر، آگاه یا ناآگاه، خود را نشان می‌دهد تا بدانجا که مجموعه حرکت یک اجتماع به مرحله طنز می‌رسد (با همان تعریف گفته شده) و ساختار یک جامعه تبدیل به طنز می‌شود. عصر حافظ یکی از بهترین نمونه‌های شکل‌گیری این تناقض در جامعه است. با چنین نگاهی، طنز سیاسی در شرایطی بستر مناسب خویش را می‌یابد که رفتار مجموعه قدرت، پارادوکسیکال باشد. مثلا رضا خان مستبدی طرفدار جمهوری شود، امیر مبارز الدین بیرحمی‌دایه دار حفظ دین رحمانی اسلام باشد و… آنوقت است که طنز شکوفا می‌شود:می‌گوید و نمی‌گوید!

۳- آخرین بخش این نوشته می‌خواهد روپارویی قدرتمندان را در برابر طنز تحلیل کند اما به نظر، احتیاج چندانی به آن نیست! در واقع درک اینکه طنز سیاسی چگونه شکل گرفته، خود بازگو کننده نحوه مواجهه ارباب قدرت با طنز سیاسی هم هست یعنی نا گفته پیداست که طنز سیاسی با چنین مشخصه ای اصلا مورد قبول واقع نخواهد شد و در مقابله‌ش شددیدنا چیزه خواهند گرفت اما نحوه مواجهه چند صورت دارد:

الف- مواجهه با خود طنز: طنز سیاسی به دلیل مشخصات پرشمرده قابل سانسور نیست یعنی اگرچه سعی می‌شود سانسور شود اما نمی‌شود و در مرحله بعد است که سعی می‌شود با اسلحه‌ای از نوع خودش، کلکش را بکنند! اینجاست که به دلیل بیگانگی با گوهر طنسر، فحش، تهمت و هتاکی از طرف قدرتمندان طنز تلقی می‌شود و به شدت رواج می‌پذیرد.

ب -مواجهه با طنز پراز: طنسر پردازان هیچوقت قهرمان نمی‌شوند چون با آنها هم به آنجا به دلیل مشابه برخورد می‌شود.به جای تفضیل این مطلب بهتر است سرانجام اشرف الدین گیلانی (نسیم شمال) را به روایت مرحوم سعید نفیسی بخوانید:

«سرانجام گرفتار همان عواقبی شد که نتیجه دیویدی و مسلم این گونه مردان بزرگ است، او را به تیمارستان شهرنو بردند که در آن زمان دار الملجانین می‌گفتند. اطلاق در حیاط عقب تیمارستان به او اختصاص دادند.بارها در آنجا به دیدن و دلجوید و پرسش و پرسشاری او رفت. من تفهیمید چه نشانه جنون در این مرد بزرگ بود؟!

همان بود که همیشه بود. مقصود از این کار چه بود؟!این یکی از بزرگترین معماهای حوادث درویش مانست. خبر مرگ او را هم به کسی ندادند. آیا راستی مردی نه، هنوز زنده است و من زنده تر از او کسی را نمی‌شناسم.»

خاتمی‌به ایفای نقش می‌پردازند.

همچنین نمایش «منظره واپادولید» نوشته ژان کلود کاریر و کارگردانی هوشمند هرناک از ۲۴ مهرماه ساعت ۲۰ با مدت زمان ۹۰ دقیقه و قیمت بلیت ۱۲۰ هزارتومان در تالار قشقایی به صحنه رفته و در آن لیلی فرجاد، مهدی وثوقی، محمد ربانی پور، علیرضا عباسی، فرید گلریز، عبدالله عاج‌پرین، یگانه عطار اولیایی، سارینا قاسم‌زاده، هام رضایی و هوشمند هنر کار ایفای نقش می‌کنند. این نمایش درباره منظره تاریخی سال ۱۵۵۰، سرخوستانی که سرزمین‌شان غصب شده بود در کلیسای معروف «واپادولید» است.

تالار سایه از روز پنجشنبه ۲۰ مهرماه، میزبان نمایش «حقایق» درباره سگ‌ها و گربه‌ها» به نویسندگی محمد منعم وکارگردانی محمدهادی عطایی ساعت ۱۸:۳۰ با مدت زمان ۵۰ دقیقه و قیمت بلیت ۱۱۰ هزار تومان شده است. در این نمایش، ویدا جیوان، محمدهادی عطایی و مانده عدلی به عنوان بازیگر حضور دارند. داستان این نمایش درباره زن و شوهری است که پس از سالها می‌خواهند بچه‌دار شوند…

نمایش دیگر تالار سایه «شبیبه خون» نوشته سهراب حسینی و کارگردانی محمد حاتمی‌است که از روز یکشنبه ۲۳ مهرماه ساعت ۲۰ و مدت زمان ۸۰ دقیقه و قیمت بلیت ۱۲۰ هزارتومان به صحنه رفت و در

سینمای کودک نمی تواند سفارشی باشد

فیلم‌هایی ساخته شود که فیلمسازش نه تفکر مرتبط با کودک داشته باشد و نه حتی دنیای کودکانه‌ای درونش وجود داشته باشد. فیلمساز این حوزه باید شناخت درستی از سنین مختلف بچه‌ها داشته باشد نه اینکه سوزه‌های سفرشی کار کند که جنبایشی هم برای بچه‌ها ندارد.

کارگردان فیلم «برنده کوچک خوشبختی» در پاسخ به اینکه در مواجهه با بچه‌ها چه سوزه‌هایی را از نگاه آن‌ها جذاب‌تر دیده، گفت: متوجه شدم بچه‌ها خیلی دوست دارند بخندند و شاد باشند.

دوست دارند فیلم‌هایی را ببینند که با تمام وجود قهقهه بزنند. البته در کنار آن دوست دارند چیزی باشد که آن‌ها را به فکر هم وارد. با بعضی از بچه‌ها که صحبت می‌کردم می‌گفتند فیلم‌هایی را دوست دارند که علاوه بر شاد بودن، اطلاعاتی بچه در باره آینده به آن‌ها بدهد. این برای من خیلی جالب بود که بچه‌ها در کنار آن خنده‌های از ته دل، دوست دارند ببینند که در آینده با چه چیزهایی مواجه هستند. درخشنده با اشاره به اظهارنظرهای فیلمسازان بیان کرد: در صحبت‌های بعضی کارگردان‌ها می‌شنیدم که می‌گفتند ای کاش قبل از ساخت فیلم خود با بچه‌ها صحبت می‌کردند

فرهنگی

نگاه

نگاهی به فیلم «بی رویا»

آینه‌وارگی با یی هویتی

رویا سلیمی



اولین ساخته آرین وزیر دفتری به لیست بلندبالای فیلم‌های قاچاق شده این روزهای سینمای ایران اضافه شده و با وقفه‌ای کوتاه پس از این اتفاق، به صورت آنلاین در حال آکران است. یکی از معدود فیلم‌هایی که در جشنواره چهلیم فیلم فجر نظر مخاطبان را جلب کرد، اما سایه قاچاق همچنان و بار دیگر مسیر درست ارائه اثر به مخاطب را با مشکل مواجه کرد.

فیلم سینمایی «بی رویا»، سایکودرامی‌در بستر روابط خانوادگی است. براساس کپشن پایانی فیلم، روایت زندگی زنی مبتلا به اسکیزوفرنی است که براساس این بیماری، تمام مناسبات افراد در فیلم با این درونمایه پیش می‌رود. در حالی که به نظر می‌رسد کیشن مربوط به بیماری رویا با بازی طناز طباطبایی بر فیلم الصاق شده، چرا که روند روایت داستان و اتفاقاتی که برای او می‌افتد ابتدا با منطق داستانی سازگاری ندارد. اگر بپذیریم که رویا دچار اسکیزوفرنی است و اتفاقات حول محور بیماری او می‌چرخد، باید بپذیریم که دیگر شخصیت‌ها نیز دچار این بیماری هستند. چراکه عملا منطق داستانی منسجمی‌برای روایت یک بیمار روانی درست پیش نمی‌رود. نوع روایت رئال است و در این بستر واقعی اتفاقات، سیر رسیدن به نطفه‌ای که او را درگیربیماری نشان دهد ابتدا در فیلم وجود خارجی ندارد. به نظر می‌رسد بیش از اینکه فیلم روایت زندگی یک بیمار روانی باشد، بحث بحران هویت و گمگشددگی در دنیای امروز را مطرح می‌کند. این بحران، روایت را در بیان رئال جای می‌دهد و در نهایت سردرگمی‌به خود فیلم سیرایت می‌کند. بیننده در جای جای فیلم، تاثیر آثار کارگردان بزرگی را در فیلم می‌بیند. دو شخصیتی که به نوعی آینه‌واری در روابطشان رخ می‌دهد و دچار تزلزل شخصیتی می‌شوند. این موضوع دستمایه فیلم‌های مهم و مطرحی مانند جاده مالها‌لند ساخته دیوید لینچ، یا فیلم پرسونا ساخته برگمان، فیلم سرگیجه ساخته هیچکاک، فیلم ممنوتو ساخته کریستوفر نولان است. فیلم‌های که هر کدام در فضایی سوررئال و با منطق دنیایی ساختگی و غیرواقعی پیش می‌رود. اما در «بی رویا» قواعدی که برای روایت در نظر گرفته می‌شود، کاملا رئال و منطبق با دنیای واقعی است. در این میان آنچه که بر این جهان واقعی تحمیل می‌شود و نمی‌تواند خود را در قسه باورپذیر کند و در نهایت به کپشن پایانی پناه می‌برد و فیلم را نیازمند توضیحی اضافه بر آنچه در فاصله حدود دو ساعت تماشا شده، می‌یابد.

فارغ از اشتباهات فاحش فیلم، تاکید فیلم بر بی هویتی و ساختن هویت دروغین و جعلی برای ادمه زندگی است. جامعه‌ای که هویت افراد در آن محلی از اعراب ندارد و به راحتی دست‌شوش انکار می‌شود. این بی هویتی ضمن اینکه سرنوشت و آینده افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بلکه آنها را در نظامات جدیدی که بر آن تحمیل شده، دچار استحاله می‌کند. افراد از خود بیگانه شده و در جامعه‌ای دروغین، دست به بازیگری می‌زنند. در شخصیت رویا و زیبا، مانند شخصیت‌های فیلم جاده مالها‌لند و پرسونا، ویژگی آینه‌واری پیدا می‌کنند و هر کدام مدتی جای دیگری زندگی می‌کنند. ضمن اینکه منطقی پشت این روایت وجود ندارد، ویژگی آینه‌گی شخصیت‌ها افراد را به یک کل واحدی تقلیل می‌دهد که جامعه آنها را براساس نقشی که دوست دارد، به تقسیم کار، آینده و سرنوشتشان سوق می‌دهد.تاکید بر بی هویتی، در پلانی که زیبا و رویا‌برای احراز هویت زیبا به پلیس مراجعه می‌کنند اما سیستم اثر انگشت زیبا را نمی‌شناسد. عدم شناخت او به عنوان شخصیتی واحد و مستقل در سیستم حکومتی، فضای اثر را به نقد این موضوع در بستر جامعه‌ای تک بعدی و تک ساحتی می‌رساند. جامعه و سیستمی که دیگری و غیر را در خود نمی‌پذیرد و نمی‌شناسد. او در مارپوچی اقلیتی قرار می‌گیرد که برای پیدا کردن هویت نامعلوم خود مجبور می‌شود دست به تصرف و تملک زندگی دیگری بزند، چرا که زندگی‌اش توسط دیگران انکار شده و این دور باطل گویی با ویژگی آینه‌گی او با رویا ادامه می‌یابد و سپس رویا باید در این دور باطل روند هویت یابی دروغین را طی کند.

هرچند که فیلم مراحل جدا شدن از هویت گذشته و چسبیدن به ماهیتی جدید را قدم به قدم طی می‌کند، اما این هویت جدید در همان دور باطل قرار گرفته و نمی‌تواند به ثباتی برای رسیدن به شخصیتی مشخص تبدیل شود. مفهوم «دیگری» در مورد زن اینجا می‌تواند تعبیر و تفاسیر مختلفی نیز پیدا کند. این ویژگی در فیلم از زمانی رخ می‌دهد که زن در برابر خواسته همسرش، ایستادگی می‌کند و آن را نمی‌پذیرد. گویا هویت او در هر مگن شدن و پذیرش تحمیل از سوی مرد معنی پیدا می‌کند. او که خواهان ماندن در ایران است، در پلان‌های بعدی ذره ذره از ویژگی ثابت و تعریف شده خود فاصله می‌گیرد و تبدیل به غریبه‌ای می‌شود که به راحتی می‌توان او را کنار گذاشت و شخص دیگری منطبق بر خواست و اراده مرد را جایگزین کرد. این روند رسیدن به «دیگری» در جشن تولد به اوج خود می‌رسد تا جایی که پدرش نیز او را نمی‌شناسد و حالا او غریبه ای می‌شود که در این جمع آشنا هیچ جایی ندارد. پایان‌بندی فیلم علی‌رغ منطق نامشخصش، نقطه اُمیدی می‌شود. برای رسیدن به شخصیت و هویتی که دیگر قابل شناسایی نیست و کم کم در حال محو شدن است، اما نکته اینجاست که در این پلان نهایی نیز باز جنس مرد است که باید هویت او را شناسایی و بودنش را واجد معنی کند.

اخبار کوتاه

شب یک‌سالگی مجله نقد نمایش

در هفتصد و هشتمین شب از شب‌های بخارا به یک‌سالگی انتشار فصلنامه «نقد نمایش» پرداخته می‌شود. این نشست در ساعت پنج بعدازظهر روز دوشنبه اول آبان ماه ۱۴۰۲ با سخنرانی نصرالله قادری، آراز بارسقیان، دکتر صادق رشیدی، غلامحسین دولت‌آبادی، شقایق صفاری سامانی، فرزاد فروشی و علی دهبلش در سالن هنری نقش واقع در پارک ساعی برگزار می‌شود.

مجله «نقد نمایش» با هدف بررسی جامعه‌شناختی و انتقادی از تئاتر ایران و معرفی نمایشنامه‌نویسان ایرانی و خارجی یکسال است فعالیت خود را آغاز کرده است. این مجله که چهار شماره تا امروز از آن منتشر شده است، جزو معدود نشریات تخصصی تئاتر است که تا امروز به صورت منظم و با خط منشی مشخص به جامعه تئاتری و فرهنگی کشور ارائه می‌شود. صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن آراز بارسقیان، سردبیر نصرالله قادری و دبیر تحریریه غلامحسین دولت‌آبادی است. گروه ثابت تحریریه در یک سال گذشته محمدعلی رضی، شقایق صفاری سامانی، زینب غضنفری و فائزه میرضایی بودند که با پیگیری‌های مداوم و تلاش توانستند به سامان یافتن مجله کمک کنند.

درخواست ستارگان سینما برای آتش‌بس در غزه

شماری از چهره‌های مشهور سینما از جمله «واکین فینیکس» و «کیث بلاتشت» در نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا خواستار توقف جنگ و حملات به غزه شدند. به گزارش ایسنا، گروهی متشکل از ۵۵ هنرمند و چهره شناخته‌شده صنعت سرگرمی با امضای نامه‌ای سرگنده خطاب به «جو بایدن»، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا خواستار آتش‌بس در غزه و سرزمین‌های اشغالی شدند. این جمله امضاکنندگان این نامه می‌توان به «واکین فینیکس»، «کیث بلاتشت»، «جان استوارت»، «کریستن استوارت»، «سارا سالاندون»، «ماه‌شالا علی»، «ریز احمد» و «ام‌یویوسف» اشاره کرد.

بخشی از متن نامه به این شرح است: «ما از دولت شما و تمام رهبران جهان می‌خواهیم به جان تمام افراد -سرزمین مقدس» احترام بگذارید و خواستار تسهیل بدون تاخیر آتش‌بس - پایان بمباران غزه و آزادی گروگان‌ها با رعایت امنیت - شوئند». در این نامه که توسط سازمان «هنرمندان خواستار آتش‌بس»(Ceasfire ۲ Artists) منتشر شده است، همچنین به صحبت‌های «جیمز الدر»، سخنگوی «یونیسف» اشاره شده است که در آن ویرانی که با حملات هوایی مداوم رژیم صهیونیستی و قطع آب و برق بر مردم غزه تحمیل می‌شود مورد توجه قرار داده شده است.